

Positions of Regional and International Countries Regarding the 2017 Kurdish Referendum

Seyed Mostafa Malihi*

Abstract

Iraq has been the focus of Western countries, and the Iraqi Kurdish issue in West Asia is a major challenge, although the West and the United States wanted Kurdistan to remain under the Iraqi government, and Western countries use the Kurdish issue and the Iraqi crisis as leverage.

The current class structure, institutional framework, and rent-seeking economy of Iraqi Kurdistan have their roots in the 1990s, when Kurdish forces gained permanent control of the region. The new ruling class that emerged in that decade had a profoundly extractive character and exercised its power over a strategy of seizing public resources pursued through the control of political institutions and security forces.

In September 2017, the Iraqi Kurdistan Regional Government held a referendum on independence, despite the possibility of retaliation. The role that nationalism has played in maintaining the power structures of the region is prominent. Ethnic secession was the result of the will and agreement of the Iraqis themselves, Barzani who said that holding a referendum does not mean independence and is only in the hands of politicians to ask for independence with the help of the people of this geographical area to ask for independence. This is what were the positions of regional and international countries regarding the 2017 Kurdish referendum?

Keywords: Kurdistan Referendum, Position of Countries in the Region, Kurdish Independence, America, Iran, Russia.

* Assistant Professor of Soore University, s.mostafa.malihi@gmail.com

Date received: 02/10/2021, Date of acceptance: 27/11/2021

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مواضع کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص همه‌پرسی ۲۰۱۷ کردها

سیدمصطفی ملیحی*

چکیده

عراق مورد توجه کشورهای غربی بوده است و مسئله کردهای عراق در غرب آسیا چالشی مهم محسوب می‌شود، هرچند که غرب و آمریکا خواهان ماندن کردستان در ذیل دولت عراق بودند و کشورهای غربی از مسئله کردها و بحران‌های عراق به‌عنوان اهرم فشاری استفاده می‌کنند.

ساختار طبقاتی کنونی و چهارچوب نهادی و اقتصاد رانتی کردستان عراق ریشه در دهه ۱۹۹۰ داشت که نیروهای کرد کنترل دائمی بر منطقه را به دست آوردند. طبقه حاکم جدید، که در آن دهه شکل گرفت، ویژگی عمیقاً استخراجی داشت و قدرت خود را بر استراتژی تصاحب منابع عمومی، که از طریق کنترل نهادهای سیاسی و نیروهای امنیتی دنبال می‌شد، اعمال می‌کرد.

در سپتامبر ۲۰۱۷، دولت اقلیم کردستان عراق، با وجود احتمال زیاد انتقام‌جویی، همه‌پرسی استقلال را برگزار کرد. نقشی که ناسیونالیسم در حفظ ساختارهای قدرت منطقه ایفا کرده است برجسته است. تجزیه قومی نتیجه خواست و توافق خود عراقی‌ها بود. بارزانی بیان داشت اجرای همه‌پرسی به معنی استقلال نیست و فقط به دلیل پرسیدن نظر مردم این منطقه جغرافیایی و سندی در دست سیاست‌مداران است تا با کمک آن بتوانند خواستار استقلال شوند. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که مواضع کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص همه‌پرسی ۲۰۱۷ کردها چگونه بود؟

* استادیار دانشگاه سوره، s.mostafa.malihi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

کلیدواژه‌ها: همه‌پرسی کردستان، موضع کشورهای منطقه، استقلال‌طلبی کردها، آمریکا، ایران، روسیه.

۱. مقدمه

تشدید مشکلات اقتصادی در مناطق کردنشین، کم‌رنگ‌شدن نقش کردها در اداره امور کشور، مشارکت آنان در فرایند توسعه و نوسازی، به‌ویژه در مناطق کردستان، قاچاق انواع کالا، عقب‌ماندگی کردستان‌ها باتوجه‌به نگاه امنیتی، گرایش منابع اقتصادی به سمت سوداگری تا تولید، رقابت جدی در فعالیت‌های فرودگاهی، پیشی گرفتن در صادرات باعنایت‌به حمایت کشورهای قدرت‌مند، جذب سرمایه، رقابت در بخش توریسم، و فرارگرفتن اسرائیل در هسته اقتصادی منطقه از جمله تهدیدات در حوزه اقتصادی این منطقه است.

استقلال‌خواهی کردها در منطقه غرب آسیا گذشته از چالش‌های قومیتی، نژادی، سیاسی، و اقتصادی فراوانی که در این منطقه به‌هم‌راه داشته بسترساز اصلی بحران‌های امنیتی نیز بوده است. در جنگ «چالدران» (۱۵۱۴م) قسمت بزرگی از کردستان ایران جدا و به دولت عثمانی اضافه شد. در سپتامبر ۲۰۱۷، دولت اقلیم کردستان عراق یک همه‌پرسی برای استقلال برگزار کرد که در آن رأی‌دهندگان کرد اکثریت (بیش از ۹۳ درصد) جدایی از عراق را انتخاب کردند. بااین‌حال، مخالفت عملاً یک‌پارچه جامعه جهانی مانع از اعلام استقلال رئیس‌جمهور کردستان مسعود بارزانی شد.

سقوط و تجزیه امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول موجب تقسیم سرزمین‌های عثمانی از جمله مناطق کردنشین شد. پس‌از آن، انگیزه‌های آزادی‌خواهانه و ناسیونالیستی به تقلید از اروپاییان و دخالت قدرت‌های بزرگ، از جمله انگلیس، کردها را بر آن داشت تا برای متمایز کردن خود از دیگران تشکیل یک دولت مستقل کردی را مطرح کنند.

در طول مبارزه مشترک در نیروهای کرد و حکومت مرکزی عراق با داعش و در پی تشدید اختلافات داخلی، انجام همه‌پرسی بارها اعلام و به‌تعویق افتاد. بعد از حمله داعش به شمال عراق و عقب‌نشینی و فرار ارتش عراق، نیروهای کرد توانستند ضمن به‌دست آوردن کنترل مناطق موردنازعه، از جمله کرکوک، سلاح و مهمات زیادی را از نیروهای ارتش به‌غنیمت بگیرند.

رفراندوم استقلال ۲۰۱۷ را باید به‌عنوان تلاشی برای خشی کردن تهدید علیه نظم اجتماعی، که موجی از اعتراضات مردمی را نشان می‌دهد، درک کرد. این روی‌دادها پیوند

عمیق بین ناسیونالیسم و ساختار طبقاتی منطقه را آشکار کرد. کردها بزرگ‌ترین گروه بدون کشوری مستقل هستند که ادعا می‌کنند جمعیتی معادل پنجاه میلیون نفر را شامل می‌شوند. اکثریت این جمعیت در چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه، و عراق ساکن هستند که استقلال و تجزیه می‌تواند کردهای سایر کشورها را به پیروی از آنها تشویق کند. مخدوش شدن حاکمیت ملی، کاهش اقتدار و قدرت حکومت مرکزی، تضعیف نقش دموکراسی و افزایش ناسیونالیسم قومی، عدم استقرار جامعه مدنی و نظام شهروندی، کاهش مشارکت عمومی، ایجاد بحران مشروعیت و مقبولیت، و نبود مشروعیت به بی‌ثباتی سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی نیز به اختلاف میان کشورهای منطقه می‌انجامد (رنجبر ۱۳۷۸: ۱۷۵).

۲. پیشینه تحقیق

- بیوک و اکرمی‌نیا (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین مراحل و عوامل زمینه‌ساز بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق بر مبنای مدل مایکل برچر» مراحل و عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران کردستان عراق بر اساس مدل برچر را بررسی و واکاوی کرده‌اند. بنابراین، هدف از این مقاله شناخت و تبیین مراحل و عوامل شکل‌گیری بحران کردستان عراق بر اساس مدل مایکل برچر است. فرضیه تحقیق این است که مراحل بحران عبارت‌اند از: پیدایش، گسترش، و کاهش. تأثیرات بحران و عوامل زمینه‌سازی بحران عبارت‌اند از: جغرافیا، وضعیت منازعه، عمر بازیگر بحران، نظام سیاسی، سطح نظام بین‌الملل، قطب‌بندی، و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.
- اسلامی و شمس‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق» بیان می‌کنند که منطقه خاورمیانه دریای متلاطمی از مسائل ژئوپلیتیکی است که بسیاری از ژئوپلیتیسین‌های جهان همواره به آن نظر داشته و دارند. در این منطقه، کشور عراق امروزه به آوردگاه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده، زیرا سرنوشت معادلات آن بسیاری از روندهای ژئوپلیتیکی جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.
- کشور عراق از سده بیست میلادی با سیلی از بحران‌ها مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین این بحران‌ها روند جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی اقلیم کردستان است که اوج آن در برگزاری فراندوم در مهرماه سال ۱۳۹۶ به‌نمایش

درآمد. بدون شک، در صورت به‌بارنشستن فراندوم جدایی اقلیم و ایجاد کشور مستقلی به‌نام کردستان، منطقه غرب آسیا وارد تنش‌های دامنه‌دار جدیدی می‌شد. از این رو، شناخت عوامل ناکامی این پروژه از منظرهای آکادمیک، سیاسی، و راه‌بردی ضروری می‌نماید.

- جاسب و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق»، که درباره استقلال کردستان عراق نگارش یافته است، به علت ناکامی استقلال کردستان عراق از نگاه اختلافات احزاب کردستان عراق پرداخته می‌شود. تحقیق به واکاوی این موضوع یا سؤال می‌پردازد که با وجود برگزاری همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و کسب اکثریت رأی مثبت برای آن مهم‌ترین دلیل ناکامی استقلال طلبی کردها چیست؟ فرضیه مقاله می‌گوید، ساختار نامتعادل قدرت در اقلیم کردستان عراق، اختلافات داخلی احزاب، و عدم هماهنگی بین آن‌ها مهم‌ترین دلیل ناکامی استقلال طلبی کردهای کردستان عراق است.

- مسعودنیا و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» بیان می‌کنند که پژوهش حاضر، ضمن تمهید پشتوانه نظری مبتنی بر وابستگی متقابل، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که منطقه کردستان عراق از چه ظرفیت‌ها و امکاناتی در جهت تأثیرگذاری در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ فرضیه مقاله عنوان می‌کند که روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق می‌تواند در حوزه‌های موضوعی فرهنگ، تروریسم، امنیت منطقه‌ای، فعالیت اقتصادی، و مسئله انرژی فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران زمینه‌سازی کند.

هرکدام از مقاله‌ها به دلایل اختلاف و عدم موفقیت همه‌پرسی پرداخته‌اند، اما نوآوری این مقاله این است که به تحلیل همه‌پرسی و موضع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌پردازد که در تحقیقات دیگر چنین نیست.

۳. چهارچوب مفهومی: وابستگی متقابل امنیتی

در پاسخ به انتقادات وارده بر واقع‌گرایی کلاسیک بعد از جنگ جهانی دوم (دهه ۱۹۷۰) نوواقع‌گرایی شکل گرفت. کنت والتز (Waltz)، مهم‌ترین نماینده نوواقع‌گرایی، نظریه‌ای

ارائه کرد که بحث اصلی آن این بود که ساختار نظام بین‌الملل، به دلیل فقدان مرجع اقتدار مرکزی برای تأمین امنیت واحدها، دولت‌ها را به سمت امنیت‌جویی سوق می‌دهد (مشیرزاده ۱۳۹۶: ۲۴).

این رویکرد مکتب کپنهاگ به نوعی یادآور صورت‌بندی استنفان والت از موازنه تهدید است. در واقع، بازیگرانی که در یک منطقه خاص تعامل دارند به لحاظ تاریخی و ژئوپلیتیکی خود را در معرض الگوهای مشابهی از امنیت‌نمایی می‌بینند و یک مجموعه امنیتی (security complex) را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، عامل اساسی تعیین‌کننده در تعریف مجموعه امنیتی سطح بالایی از تهدید و ترس متقابل میان دو یا چند دولت عمده است که به طور متقابل احساس می‌شود. در نتیجه، این گروه از بازیگران امنیتی به یک مجموعه امنیتی شکل می‌دهند که به نظر بوزان شامل مجموعه‌ای از دولت‌ها می‌شود که دغدغه‌های امنیتی اصلی آن‌ها اساساً به قدری به یکدیگر مرتبط است که نمی‌توان امنیت ملی هر کدام را به صورت مجزا از دیگری ملاحظه کرد (چگنی‌زاده و دیگران ۱۳۹۶: ۲۷۵).

الگوی معمول به هم‌وابستگی امنیتی در نظامی بین‌المللی، که دارای تنوع جغرافیایی، ولی آنارشیک یا فاقد قدرت فائمه مرکزی است، به صورت دسته‌بندی‌های منطقه‌ای است که ما آن‌ها را مجموعه‌های امنیتی می‌نامیم. بنابراین، باید نوعی الگوی سرزمینی مشخص در زمینه به هم‌وابستگی امنیتی وجود داشته باشد که اعضای مجموعه امنیتی را از دیگر دولت‌های همسایه متمایز کند و این الگو باید آن اندازه نیرومند باشد که معیار گنجاندن دولت‌ها در مجموعه یا کنارگذاشتنشان از آن را در حد معقولی روشن سازد (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۳۵).

مکتب کپنهاگ پس از طرح مسئله وابستگی متقابل امنیتی و ناکارآمد بودن سیاست‌های امنیتی خودمحوارانه مشکل موجود در این چهارچوب را مطرح کرده و برای آن راه‌حل ارائه می‌دهد. آنان مطرح می‌کنند که مشکل این است که منطق وابستگی متقابل ما را به سوی دیدگاه‌های پیچیده‌تر می‌کشاند، بدین معنا که اگر امنیت هر یک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط است، پس هیچ‌چیز را نمی‌توان بدون درک همه فهمید، در حالی که چنین دستورکار بزرگی مطالعه امنیت را در این چهارچوب امری غیرواقع‌بینانه خواهد کرد. بوزان و دیگران (۱۳۸۶) راه‌حل را محدودسازی سطح وابستگی متقابل می‌دانند و معتقدند: «چون واقعیت وابستگی متقابل غیرقابل انکار است، تنها راه امیدوارکننده برای دستیابی به تعریف قابل فهم از موضوعات این است که آن را بیش از حد بزرگ ننماییم». برای انجام این کار آن‌ها یافتن سلسله‌مراتبی از سطوح تحلیل در درون سیستم بین‌المللی را ضروری می‌دانند و به دنبال آن،

با غیرقابل‌انکادانستن سطح بین‌المللی، سطح منطقه‌ای را بهترین وضعیت برای منطقی نمودن وابستگی متقابل امنیتی معرفی می‌کنند (عبداله‌خانی ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۵۷).

گسترش روند تجزیه‌طلبی توسط اقوام و گروه‌ها به‌خصوص کردها در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، و سوریه با عنایت به هم‌جواری و نزدیکی جغرافیایی، پیوندهای نژادی و خانوادگی، دخالت ابرقدرت‌ها و دشمنان برای اختلاف‌افکنی، و ... وجود دارد که در صورت تحقق در یکی از این کشورها می‌تواند به‌عنوان الگویی به سایر مناطق نیز سرایت کند. بنابراین، هر اقدام تجزیه‌طلبانه برای استقلال در هریک از این کشورها موجب حساسیت و اقدام توسط آن‌ها خواهد شد.

در این میان، کردهای عراق با اذعان به داشتن ظرفیت لازم برای استقلال و قرارداداشتن در نقطه وصل، پس از تثبیت جایگاه اقلیم کردی، گام به گام به سوی تشکیل کشور مستقل در حرکت بوده و برای این منظور، علاوه بر ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها در اقلیم، هویت‌بخشی بین‌المللی و حقوقی را نیز در دستورکار قرار داده (دوفاکتو) و هم‌زمان نیز در تلاش برای انسجام سیاسی سایر کردها بوده‌اند. بنابراین، وضعیت کنونی منطقه و امتیازات حاصله رهبران اقلیم کردی را به برگزاری همه‌پرسی، که به دنبال خود پی‌گیری استقلال کردستان عراق را نیز به‌هم‌راه داشت، تشویق کرد. درمقابل، دولت‌هایی که از این ناحیه تهدیداتی متوجه آن‌ها بود با بهره‌گیری از وابستگی متقابل امنیتی به تأمین منافع خود اقدام کردند.

درباره چرایی انتخاب این نظریه باید گفت که در صورت تحقق استقلال کردستان عراق، نه تنها عراق، بلکه ایران، ترکیه، و سوریه نیز در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی با تهدید امنیت ملی مواجه می‌شدند. همان‌گونه که بوزان می‌گوید، این کشورها به‌واسطه هم‌جواری جغرافیایی به هم پیوند خورده‌اند.

در نتیجه، دغدغه‌های اصلی‌شان به قدری به یک‌دیگر مرتبط است که نمی‌توان امنیت ملی هر کدام را مجزا از دیگری ملاحظه کرد. بنابراین، وابستگی متقابل باعث می‌شود که برهم‌زدن روابط پرهزینه‌تر و نیز به‌کارگیری ابزارهای جدیدی برای اعمال نفوذ بر یک‌دیگر فراهم گردد. موضوع استقلال کردستان عراق از یک سو به دلیل عدم موفقیت لابی‌های گسترده کردها در جلب حمایت کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا حمایت کافی را اخذ نکرده است و از سوی دیگر، عدم رضایت همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای این همه‌پرسی را با ابهامات زیادی روبه‌رو کرده است، ولی هم‌چنان وسیله‌ای برای حل برخی از مشکلات داخلی و خارجی بارزانی است (دوهفته‌نامه ایران‌رصد ۱۳۹۶: ۱۷). بنابراین،

مواضع کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر مبنای امنیت خود و خطری است که احساس می‌کردند که در این پژوهش توضیح داده می‌شود.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع و اسناد کتاب‌خانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری و با کمک ابزار فیش‌برداری تهیه شده است.

۵. پیشینه استقلال خواهی کردها

کردستان عراق نام منطقه‌ای کوهستانی واقع در شمال عراق است که از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۳۲ در تلاش برای جداسدن از عراق بوده است. کردها پس از سال‌ها مبارزه توانستند در سال ۱۹۹۱ به حداقل سطح خودمختاری دست یابند؛ منطقه پرواز ممنوع با حمایت قدرت‌های خارجی. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۴، کردها موفق شدند کردستان را به یک منطقه فدرال تبدیل کنند.

با این حال، با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴، آن‌ها توسط دولت مرکزی عراق به چالش کشیده شدند. کردها به دلیل اختلاف نظر با دولت مرکزی عراق بر سر بودجه و مناقشات ارضی رفراندومی را در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار کردند که با رأی کردها به استقلال از عراق همراه بود. در این پژوهش، از طرح تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و داده‌ها از طریق منابع مکتوب و اینترنت گردآوری شده‌اند.

بیش تر ساکنان این منطقه از مردم کرد هستند. کردستان عراق توانست با توجه به منطقه پرواز ممنوع ایجاد شده پس از تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و متعاقباً اخراج نیروهای عراقی از کویت توسط ایالات متحده و متحدان غربی آن در سال ۱۹۹۱ به حداقل سطح خودمختاری دست یابد.

اما با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و نقش مثبتی که کردها در تدوین قانون اساسی عراق داشتند کردستان عراق به یک منطقه فدرال تبدیل شد، اما با گذشت چندین سال از استقرار نظام فدرال در کردستان عراق و با وجود تأثیر مثبتی که نظام فدرال در رونق اقتصادی آن داشت رهبران کرد به دلیل درگیری بین دولت فدرال کردستان و دولت عراق بر سر بودجه و مناطق مورد مناقشه تصمیم به برگزاری همه‌پرسی گرفتند. هدف از این

مطالعه بررسی پی‌آمدهای این همه‌پرسی است، زیرا این همه‌پرسی فراتر از انزوای ژئوپلیتیک پی‌آمدهای سیاسی و اقتصادی برای کردستان عراق داشت؛ موضوعی که روحیه مردم کرد را به شدت تحت تأثیر قرار داد و واکنش آن‌ها را به شرایط بد اقتصادی و سیاسی برانگیخت.

کردها پس از ایجاد سیستم فدرال در کردستان و برقراری امنیت توانستند به رونق اقتصادی دست یابند، به طوری که کردستان را دبی دوم نامیدند، اما با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ با مشکلات زیادی مواجه شدند. آنچه این مشکلات را تشدید کرد، قطع بودجه کردستان توسط بغداد بود. کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ شرایط بحرانی را پشت سر گذاشت، به گونه‌ای که در نتیجه کاهش قیمت نفت صندوق امانی کرد تقریباً خالی شد و فقر کردستان را فراگرفت و منطقه در آستانه رکود بود.

درخواست کردها برای بودجه از بغداد و امتناع بغداد از بازپرداخت وجوه کردها باعث شد کردها رویکرد متفاوتی را دنبال کنند. در اواسط سال ۲۰۱۷، در حالی که داعش آخرین روزهای خود را در عراق و تاحدودی در سوریه سپری می‌کرد، رهبران کرد، که نگران دوران پس از داعش بودند، همه‌پرسی برگزار کردند. همه‌پرسی، که با مخالفت‌های منطقه‌ای و جهانی همراه بود، پی‌آمدهای منفی سیاسی و اقتصادی برای کردها داشت. انزوای ژئوپلیتیکی تحمیلی، تحریم تجاری اقلیم کردستان توسط کشورهای همسایه، و حمایت اسرائیل از واگرایی کردها برخی از پی‌آمدهای منفی همه‌پرسی بود (Baser 2019: 10).

احزاب کردی که از اعلام استقلال توسط قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دل‌سرد شده بودند تصمیم گرفتند یک پارلمان و دولت منطقه‌ای مستقر در اربیل تشکیل دهند. در اولین انتخابات منطقه‌ای که در ماه مه ۱۹۹۲ برگزار شد، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان به ترتیب ۵۱ و ۴۹ کرسی به دست آوردند و بر سر توافق‌نامه تقسیم قدرت جامع مذاکره کردند.

این تمایلات با ادغام رسمی حکومت اقلیم کردستان در عراق پس از تهاجم در اواسط دهه ۲۰۰۰ و به رسمیت شناختن بین‌المللی و رونق اقتصادی پس از آن تقویت و تثبیت شد. در یک استراتژی انباشت براساس تصاحب رانت نفت از طریق کنترل نهادهای سیاسی، چشم‌انداز ازدست‌دادن قدرت سیاسی توسط حزب دموکرات کردستان حاکم تهدیدی برای کل ساختار طبقاتی منطقه بود. این تهدید زمانی تحقق یافت که بحران اقتصادی سال ۲۰۱۴ حکومت اقلیم کردستان را به تحمیل اقدامات ریاضتی شدیدی سوق داد که در پاییز ۲۰۱۵ اعتراضات عمومی گسترده و مکرری را برانگیخت که مطالبات برای توزیع مجدد را با انتقاد

مواضع کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ... (سیدمصطفی ملیحی) ۱۸۳

از اقتدارگرایی ترکیب کرد. اعتراضات عمومی احزاب اپوزیسیون را تشویق کرد تا باهم متحد شوند و مواضع جسورانه‌تری اتخاذ کنند و حزب دموکرات کردستان را مجبور کرد پارلمانی را که دیگر قادر به کنترل آن نبودند تعطیل کنند. برای مدت کوتاهی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ قدرت طبقه حاکم کرد به‌طور جدی مورد تهدید قرار گرفت.

از این منظر، به‌سختی می‌توان رفراندوم ۲۰۱۷ را نتیجه تشدید جو ناسیونالیستی و تهدید احتمالی تهاجم خارجی دانست که برای توجیه تعلیق روند دموکراتیک و سرکوب مخالفان ضروری بود.

اعتراضات کردها در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ علیه ریاضت اقتصادی، فساد، و استبداد همان اهداف خیزش‌های مردمی در خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد بود (A Series of Miscalculations 2017: 9).

به‌طور کلی، سقوط صدام، تشکیل دولت فدرال در کردستان، حمله داعش به سوریه و عراق، تقویت ناسیونالیسم و استقلال کردها، تسلط نیروهای پیش‌مرگه در مناطق کرکوک، نینوا، و دیالی، حمله ارتش عراق و نیروهای حماس‌الشعبی به کرکوک و عقب‌نشینی نیروهای پیش‌مرگه از کرکوک، عوامل زمینه‌ساز بحران کردستان، برجستگی ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان به‌ویژه کرکوک، تقارن بالای ایران و ترکیه، سطح بالای مخالفت‌ها همراه با تهدید دو کشور با رفراندوم، و عدم حمایت ایالات متحده و اتحادیه اروپا زمینه‌ها و مراحل شکل‌گیری همه‌پرسی بودند.

۶. پی‌آمدهای روند همه‌پرسی استقلال

با تصمیم به برگزاری همه‌پرسی تقریباً همه احزاب باید مواضع خود را در این مورد روشن می‌کردند.

با این همه‌پرسی، نارضایتی کردها در قبال بغداد و آرزوهای کشوری هر دو با پایان یافتن مبارزه با داعش و کاهش تعهدات خود در قبال عراق در خطر نادیده‌گرفته شدن در دستورکار بین‌المللی قرار گرفتند. از ایالات متحده تا بریتانیا و از کشورهای منطقه گرفته تا شورای امنیت همه بازیگران باید موضع خود را در این مورد اعلام می‌کردند (ssl.translatoruser.net 2017: 6).

روند همه‌پرسی استقلال به‌اندازه برگزاری خود رفراندوم اهمیت داشت. اگرچه برای مدت طولانی انجام آن یک آزمایش سیاسی بوده است، استقلال کردستان هنوز از نظر

بسیاری به‌عنوان یک بحث تئوریک، اگر نگوئیم یک رؤیا، به‌حساب می‌آید. گفتنی است که طرف‌داران این استقلال متحد نشده‌اند یا جست‌وجوی خود را برای استقلال تحکیم نکرده‌اند. واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخلاف این حرکت حکم می‌کرد و کردها در موقعیت امنی برای مقابله با این مخالفت خارجی قرار نداشتند. به همین ترتیب، دشمنان استقلال مجبور نبودند مخالفت خود را متبلور کنند، زیرا به‌نظر نمی‌رسید که چشم‌انداز استقلال قریب‌الوقوع باشد. سیاست دوگانگی و دوسوگرایی در بسیاری از سطوح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی به‌نمایش گذاشته شد.

باوجود طولانی‌شدن مذاکرات درمورد استقلال به‌نظر می‌رسد کردهای عراق نقشه راهی برای آن ندارند. به‌نظر نمی‌رسد آن‌ها درحالی‌که برای استقلال پیش می‌رفتند تمام سناریوهای ممکن را اجرا نکرده باشند. با کنارگذاشتن مخالفت ایران، با شروع ترکیه، اکثر کشورهای منطقه به‌خصوص در سال‌های اخیر در این زمینه سیاست مشخصی نداشتند. با پیش روی روند، کشورها باید مواضع خود را با وضوح بیش‌تری اعلام می‌کردند. درحالی‌که ترکیه و ایران درکنار دولت مرکزی عراق به‌شدت با این اقدام مخالفت کرده‌اند، اسرائیل تنها کشور منطقه‌ای است که حمایت خود را از این اقدام ابراز کرده است، درحالی‌که اردن موضعی دل‌سوزانه به همه‌پرسی اتخاذ کرده است.

یکی از استثناها در این جا سکوت نسبی خلیج‌فارس (با کنارگذاشتن تلاش ناموفق عربستان برای میانجی‌گری بین بغداد و اربیل) در این مورد بود. به یک معنا، موضع کشورهای منطقه درقبال این موضوع تاحدی نشان‌دهنده موقعیت منطقه‌ای کشورها درقبال بحران خلیج‌فارس بود. با تصمیم به برگزاری همه‌پرسی، تقریباً همه احزاب باید مواضع خود را در این مورد روشن می‌کردند (ibid.).

به‌نوعی می‌توان گفت که مسعود بارزانی، رئیس‌جمهور اقلیم کردستان و حزب حاکم دموکرات کردستان (KDP)، به‌طور سیستماتیک مخالفت خارجی با همه‌پرسی را دست‌کم گرفت و فکر کرد که واشنگتن، و شاید حتی آنکارا، درنهایت به‌کمک متحد وفادار خود می‌آید و وجود یک دولت کرد دوست را، که در چنین موقعیت استراتژیکی قرار دارد، می‌پذیرفت. علاوه‌براین، بارزانی فکر می‌کرد که پس از فداکاری کردها در جنگ علیه داعش، غرب نمی‌تواند حمایت از خودمختاری کردها را انکار کند. ازسوی دیگر، رهبری کردستان در تعیین زمان مناسب برای همه‌پرسی ناتوان معرفی شد (A Series of Miscalculations 2017: 9).

باوجود توییح تقریباً جهانی منطقه‌ای درباره‌ی همه‌پرسی کردستان قبل از رأی‌گیری در ۲۵ سپتامبر، دولت اقلیم کردستان عراق (KRG) آن‌چه را به‌نظر می‌رسید راهی به‌سوی استقلال است پیش برد. بااین‌حال، رفراندوم به‌جای ایجاد یک کشور کردستان یا تقویت قدرت مذاکره‌ی کردستان نتیجه‌ی معکوس داشت. اگرچه رهبران کرد نشان دادند که این رأی بلافاصله به استقلال منجر نخواهد شد، اما برای همسایگان اقلیم کردستان با جمعیت‌گرد خود مانند ترکیه، ایران، و سوریه همه‌پرسی نماد گامی متزلزل به‌سمت جدایی بود.

مسعود بارزانی در ابتدا در سال ۲۰۱۴، پس از گسترش سریع داعش بر نیروهای ملی عراق، خواستار برگزاری همه‌پرسی شد. بااین‌حال، رأی‌گیری به‌دلیل فشارهای مالی و سیاسی از جمله سقوط قیمت نفت و حضور دولت اسلامی، که بیش‌ازحد محاسبه‌ی کردها طول کشید، به‌تعویق افتاد. با عقب‌نشینی نیروهای داعش در ماه‌های اخیر، رئیس‌جمهور اقلیم کردستان بلافاصله خواستار برگزاری همه‌پرسی شد.

باوجود تمایل شدید بارزانی به کردستان عراق مستقل و یک‌پارچه شکستگی‌ها در حال شکل‌گیری است.

این همه‌پرسی هم‌چنین تنش‌ها را در فضای سیاسی کردستان عراق تشدید کرد. احزاب اپوزیسیون مانند گروه اسلامی کردستان موسوم به کومال و جنبش تغییر یا گوران هر دو همه‌پرسی را تحریم کردند و ساعاتی قبل از شروع رأی‌گیری موضع خود را تغییر دادند.

این نشان‌دهنده‌ی حمایت دمدمی مزاجانه‌ی احزاب از حکومت اقلیم کردستان و امید به ازسرگیری اقدامات پارلمانی پس از رفراندوم بود. به‌طور مشابه، مخالفت اتحادیه‌ی میهنی کردستان (PUK)، رقیب سنتی حزب دموکرات کردستان (KDP)، شرایط را تشدید کرد.

نمونه‌ای از پی‌آمدهای این اختلافات بازپس‌گیری شهر مورد مناقشه‌ی کرکوک از کردها توسط نیروهای عراقی و شبه‌نظامیان شیعه‌ی عراقی مورد حمایت ایران در شانزدهم اکتبر است. سرعت و سهولت در بازپس‌گیری شهر به‌دلیل توافق بین نخست‌وزیر عراق، حیدر العبادی، و جناحی از اتحادیه‌ی میهنی کردستان بود. موافقت غیرمنتظره‌ی اتحادیه‌ی میهنی کردستان با بغداد توسط برخی از کردهای عراق خیانت به اقلیم کردستان تلقی شد که به خسارات اقتصادی بزرگ برای اقلیم کردستان منجر شد. ارتش عراق به‌سرعت بیش‌تر مناطق مورد مناقشه‌ی بین بغداد و اربیل شامل پایگاه‌های نظامی و میادین نفتی را پس گرفت و کنترل مرکز کرکوک را به‌دست گرفت. در مجموع، بارزانی نتوانست به‌درستی تشتت را در خطوط احزاب کردی

ارزیابی و پیش‌بینی کند که حمایت جزئی اتحادیه میهنی کردستان از همه‌پرسی با ازدست‌دادن کرکوک به‌اوج خود می‌رسد (Major International Actors 2017: 16).

علاوه‌بر مناقشه از داخل اقلیم کردستان به‌نظر می‌رسد که بارزانی پاسخ‌های بغداد و پایتخت‌های همسایه را نیز اشتباه محاسبه کرده یا حداقل دست‌کم گرفته است. برای مثال، ایران و ترکیه نگران بودند که همه‌پرسی جنبش‌های استقلال‌طلبانه را در میان اقلیت‌های کرد خود تحریک و در نتیجه کل منطقه را بی‌ثبات کند.

بارزانی و اقلیم کردستان با توجه به همکاری پیش‌مرگه‌های کرد و نیروهای عراقی در نبرد با داعش انتظار انعطاف بیش‌تری از بغداد در فشار برای استقلال داشتند، اما در مقابل عراق با موضعی سخت‌گیرانه برای حفاظت از وضعیت موجود پیرامون منطقه مورد مناقشه پاسخ داد. نخست‌وزیر آبادی قبلاً تعیین سرنوشت را به‌عنوان حق کردها پذیرفته بود، اما از حکومت اقلیم کردستان خواست تا رأی‌گیری را به‌تعویق بیندازد و تهدید کرد که از اقدامات نظامی برای جلوگیری از جانشینی کردها استفاده خواهد کرد. با نزدیک‌شدن به همه‌پرسی، آبادی موضع خود را سخت‌تر کرد و خواستار لغو رأی‌گیری به‌طور کلی و در نتیجه افزایش مخاطرات سیاسی برای حکومت اقلیم کردستان شد.

پس از رأی‌گیری، آبادی از دولت‌ها خواست تا در تلاش برای قطع خطوط مالی کردها به‌طور انحصاری با بغداد معامله کنند و از حمایت نظامی تعهدشده توسط رقبای سستی منطقه‌ای ایران و ترکیه استقبال کرد. حکومت اقلیم کردستان تهدیدهای العبادی مبنی بر مداخله نظامی و هم‌چنین توانایی او برای متحد کردن دیگر بازیگران منطقه برای محکوم کردن فعالانه همه‌پرسی را اشتباه محاسبه کرد و دست‌کم گرفت.

ایران به‌نوبه خود رابطه دیرینه‌ای با کردهای عراق به‌ویژه در تلاش‌های مشترک علیه داعش دارد. منافع متقابل نیز حکومت اقلیم کردستان و ایران را از نظر اقتصادی به هم نزدیک کرده است. مرز اقلیم کردستان و ایران کانونی برای تجارت بوده است و شهر مهاباد به‌عنوان محلی برای ورود کالاهای کرد عراقی به ایران عمل می‌کند. پس از فراندوم، ایران مرزهای خود با اقلیم کردستان را بست و گاردهای نظامی و سامانه‌های تسلیحاتی از جمله موشک و پهپاد را در امتداد مرز مستقر کرد (Wörmer 2019: 18-22).

به دلایل مختلف از جمله تفسیر نادرست جدی از حمایت نظامی غرب از داعش به‌عنوان حمایت سیاسی طولانی‌مدت از استقلال فراندوم استقلال کردستان مسعود بارزانی، رئیس‌جمهور کردستان، اقلیم کردستان عراق (KRI) را در تابستان ۲۰۱۷ در

موقعیتی نامطمئن قرار داد و در اکتبر رؤیای کردها برای داشتن یک کشور مستقل را به آینده‌ای دور سوق داد.

۷. موضع کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در برابر همه‌پرسی کردستان

ایالات متحده و قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران معمولاً در طرف‌های مختلف درگیری‌های اخیر خاورمیانه به‌ویژه در سوریه و عراق قرار داشته‌اند. باین‌حال، در مخالفت خود با رفراندوم، این سه به‌طور شگفت‌انگیزی اتفاق‌نظر داشتند؛ البته به دلایل مختلف و گاهی متناقض. نگرانی مشترک این بود که جدایی کردستان یک سابقه خطرناک ایجاد کند و بی‌ثباتی بیش‌تر در منطقه را تحریک کند. مخالفت ترکیه و ایران عمدتاً ناشی از نگرانی‌های داخلی بود، زیرا هر دو کشور خانه اقلیت‌های بزرگ کرد هستند.

آنکارا و واشنگتن نیز احتمالاً نگران بودند که جداکردن کردستان از دولت مرکزی عراق این کشور (عراق) را در معرض نفوذ بیش‌تر ایران قرار دهد. اقلیت کرد، همراه با اقلیت سنی (عرب)، به‌طور سنتی به‌عنوان وزنه تعادلی برای اکثریت شیعه در عراق عمل می‌کند. ترک KRI به‌عنوان بخشی از عراق به کردها و اعراب سنی اجازه می‌دهد تا نفوذ قوی ایران بر بغداد را متعادل کنند.

منافع فردی نیز اقدامات این سه بازیگر مهم منطقه‌ای را شکل داد. برای آنکارا گنجاندن مناطق مورد مناقشه در همه‌پرسی تهدیدی برای اقلیت مهم ترکمن‌های سنی کرکوک بود. ترکیه خود را حامی ترکمن‌ها می‌داند. ازسوی دیگر، برای ایران کردستان مستقل به‌معنای تهدید نفوذ اسرائیل در نزدیکی مرزهای خود بود. اسرائیل به‌طور سنتی روابط بسیار خوبی با اقلیم کردستان داشت و یکی از معدود کشورهایی در جهان بود که از تلاش‌های استقلال کردستان حمایت کرد. برای ایالات متحده جدایی کردستان عراق به‌معنای شکست قطعی پروژه دولت‌سازی پس از مداخله در سال ۲۰۰۳ بود.

مقاومت مشترک سه کشور با توجه به این منافع شکل گرفت. در چهارم اکتبر، دولت‌های ترکیه و عراق اقدامات خود را در حاشیه دیدار بین رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، و حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در تهران هماهنگ کردند و حکومت جمهوری کردستان را از نظر سیاسی و اقتصادی منزوی کردند. همکاری ترکیه و ایران در مسئله کردستان منعکس‌کننده یک نزدیکی عمومی بین دو کشور است؛ نزدیکی‌ای که قبلاً در مذاکرات آستانه در مورد جنگ داخلی سوریه از آغاز سال ۲۰۱۷ مشاهده شده بود.

بارزانی همان‌طور که در مورد ترکیه حمایت را بیش از حد ارزیابی کرد، در درگیری بین بغداد و اربیل از آمریکا در رویارویی کرکوک به‌طور فعال جانب‌داری نکرد. کاملاً محتمل به‌نظر می‌رسد که اجازه‌دادن به آبادی، که از سوی دولت آمریکا به‌عنوان متحد مهمی در نظر گرفته می‌شود، شکست‌دادن شاهین‌های ایرانی در اردوگاه خودش در ملاحظات واشنگتن نقش داشت (Mohammad 2020: 18).

تشکیل اقلیم کردستان عراق و اقدامات گسترده حکومت آن برای گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای مختلف جهان و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی موجب رونق و شکوفایی اقتصاد آن منطقه شده و فاصله اقلیم کردستان از حیث شاخص‌های اقتصادی را با دیگر مناطق کردنشین منطقه بیش‌تر کرده است. این امر موجب بالارفتن مطالبات کردها شده است (حیدری و دیگران ۱۳۹۷: ۳۴۲). موضع کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در برابر همه‌پرسی کردستان به‌شکل زیر است.

۱.۷ بغداد

بغداد فراندوم را غیرقانونی تلقی کرد و کشورهای همسایه ترکیه و ایران، که نگران عواقب آن بر اقلیت‌های کرد خود بودند، به‌شدت با استقلال کردستان مخالفت کردند.

العبادی، نخست‌وزیر عراق، که درگیر جنگ با تروریست‌ها بود، نمی‌توانست در مقابله با جدایی‌طلبی بارزانی عرض اندام کند. در نتیجه، تا آزادی موصل قضیه را مسکوت گذاشت. وی پس از برگزاری همه‌پرسی خواستار لغو نتایج آن شد (اسلامی و شمس‌آبادی ۱۳۹۷: ۸۷-۸۸). هدف بغداد بازگرداندن اقتدار کامل بر مناطق کردستانی است که در قانون اساسی مشخص شده است. برای مثال، به‌عنوان پیش‌شرط مذاکرات جدید، از دولت منطقه خواسته شده است که نتایج همه‌پرسی را باطل اعلام کند، تمام گذرگاه‌های مرزی را به مقامات عراقی تحویل دهد، و به صادرات یک‌جانبه نفت پایان دهد.

موافقت احزاب سیاسی اقلیم کردستان برای برگزاری همه‌پرسی استقلال در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ با مخالفت شدید دولت مرکزی عراق و واکنش تند به تهدید نظامی قدرت‌های منطقه و هم‌چنین مخالفت ترنس‌ها مواجه شد. قدرت‌های ملی امنیت و ثبات منطقه مورد مناقشه را بار دیگر تهدید کردند و یک ژئوپلیتیک جدید پدیدار شد. با وجود مخالفت کشورهای اقلیم، اقلیم کردستان عراق فراندوم استقلال را در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۷ برگزار کرد و به‌طور کلی، استقلال کردستان عراق، که از دهه‌ها قبل توسط کردها دنبال می‌شد، امروز به

یک بحران تبدیل شده است، چراکه تأثیرات زیادی در تحولات منطقه دارد و تبعات زیادی خواهد داشت.

رهبری اقلیم کردستان عراق می‌پنداشت با توجه به شیعی بودن دولت مرکزی عراق و روابط استراتژیک واشنگتن با اربیل، دولت آمریکا از آن‌ها پشتیبانی خواهد کرد. برخی از مسئولان حزب دموکرات کردستان عراق در خصوص دیدگاه آمریکا بر این نظر بودند که دستگاه سیاست خارجی و باراک اوباما معتقدند که شرایط برای استقلال مناسب نیست، اما پتنگون، سیا، و کنگره موافق استقلال بودند (رمضانی ۱۳۹۸).

۲.۷ آمریکا

تصمیم برای برگزاری همه‌پرسی، حتی اگر مخالفت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای استقلال کردستان را غیرقابل دوام کند، بحث‌های زیادی را برانگیخت. سرازیر شدن تسلیحات به کردستان عراق و تغییر در توزیع قدرت، افزایش منازعات بینادولتی در سطح منطقه‌ای، تقویت نظامی احزاب و گروه‌های مخالف و مسلح شدن آن‌ها، و هم‌چنین انجام اقدامات نظامی علیه چهار کشور دخیل، بسیج نیروهای قومی ناهم‌گرا، تلاش برای اتصال کانتون‌های کردی سوریه و اتصال مناطق کردی شرق به غرب فرات و زمینه‌تتشکیل «کریدور کردی»، افزایش رقابت‌های نظامی به‌خصوص در بعد تسلیحات، صرف هزینه‌های زیاد برای تجهیزات نظامی، افزایش جنگ‌های نیابتی، استقرار پایگاه‌های آمریکا، غرب، و اسرائیل پیرامون این کشورها، امکان طراحی و هدایت عملیات‌های نظامی و تروریستی در داخل کشور، پادگانی و نظامی شدن منطقه، جنگ مسلحانه و تهدید مرزها، تردد و حضور نیروهای تروریستی در کشور، متمرکز کردن توان نیروهای امنیتی، نظامی، و انتظامی در مناطق کردنشین، جذب نیروهای جوان و به‌کارگیری آن‌ها در عملیات‌های نظامی، قاچاق انواع سلاح، تشکیل ارتشی قوی توسط کردها، و انتقال پایگاه آمریکایی اینجریلیگ ترکیه به کردستان عراق تهدیدات امنیتی در حوزه نظامی هستند (Major International Actors 2017: 16). ایالات متحده، متحد اصلی کردهای عراق، از حمایت از همه‌پرسی امتناع کرد و تمامیت ارضی عراق را در اولویت قرار داد.

یک کشور کردی در صورت ارائه تضمین‌های امنیتی توسط واشنگتن روابطی دوستانه با آمریکا خواهد داشت. کشورهای اروپایی نیز در مورد استقلال کردستان عراق نظرهای هم‌سوئی با آمریکا داشتند. البته، انگلیس در این میان به‌نوعی بیش‌تر درباره استقلال

کردستان عراق راغب بود. کمیته روابط خارجی پارلمان انگلیس درخصوص اقلیم کردستان در سال ۹۳ اعلام کرد که امکان استقلال کردستان عراق در میان مدت وجود دارد. غربی‌ها از یک طرف امتیازات ویژه‌ای از کردها دریافت کردند و از طرف دیگر با استفاده از اهرم کردها چانه‌زنی خود را با دولت مرکزی عراق بالا بردند. در شرایط فعلی نیز آمریکا بر نامناسب بودن زمان همه‌پرسی تأکید کرده است و این به معنای تداوم سیاست آمریکا در جهت استفاده ابزاری از این مسئله است. به نظر می‌رسد غرب به جای گرایش به پایان دادن به مناقشه استقلال اقلیم ترجیح خود را بر حفظ شرایط کج‌دارومریز فعلی قرار دهد. یکی از دلایل کشورهای غربی برای مخالفت با همه‌پرسی ملاحظات امنیتی ترکیه است. آمریکا در برقراری روابط با ترکیه نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها ترکیه را سرمایه‌ای امنیتی برای کشورشان می‌دانند. موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ترکیه و مجاورت آن با شوروی در زمان جنگ سرد و بحران خیزترین مناطق دنیا (بالکان، خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، و مدیترانه شرقی) آمریکا را نیازمند ترکیه کرده است. در واقع، آمریکا به منظور مدیریت بحران در این مناطق و حتی مداخله نظامی در آن‌ها نیازمند همکاری ترکیه است (Zaid 2017: 14).

۳.۷ ایران و ترکیه

ایران، ترکیه، و سوریه، همسایگان اصلی عراق، که هر سه با اقلیم کردستان مرز مشترک دارند، مخالفت شدید خود را با برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان اعلام کرده‌اند و حتی بارزانی را متهم کرده‌اند که می‌خواهد عراق را تجزیه کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار آقای حیدرالعبادی، نخست‌وزیر عراق، (۱۳۹۶/۳/۲۰) با اشاره بر لزوم حفظ یک‌پارچگی سرزمینی عراق گفتند: «جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه با برخی زمزمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن‌زنندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند» (Khamenei.ir/news 36913).

بارزانی با این پیش‌فرض همه‌پرسی را برگزار کرد که ترکیه، به خاطر منافع اقتصادی و همچنین تضعیف دولت مرکزی شیعه نزدیک به ایران، موضع بی‌طرفی مثبت یا پشتیبانی را در قبال کردهای عراق در پیش خواهد گرفت، اما ترکیه با وجود آن‌که هرگز واردات نفت از اقلیم را قطع نکرد، ولی با استقلال مخالفت کرد و آن را غیرقانونی و غیرقابل قبول خواند.

برای اولین بار از سال ۲۰۰۳ تهران به‌طور فعال در سیاست کردستان ورود کرده است و از فشارهای اقتصادی و نظامی هدف‌مند برای ایجاد تفرقه در کردها و قراردادن اتحادیه میهنی کردستان در مقابل حزب دموکرات کردستان استفاده کرده است. ایران با کمک شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت تهران موفق شد یک تهدید نظامی معتبر ایجاد کند که از دست دادن کرکوک را برای کردها اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، نقش تعیین‌کننده‌ای در این امر داشت که در آستانه عملیات کرکوک چندین بار به سلیمانیه سفر کرد.

سقوط کرکوک ممکن است نفوذ ایران در عراق را تقویت کند. حتی قبل از اکتبر گروه‌های شبه‌نظامی شیعه تحت حمایت ایران بخش‌های وسیعی از مرکز عراق را، که از دست داعش آزاد شده بود، تحت کنترل داشتند. عملیات کرکوک یک استان نفت‌خیز و دارای اهمیت استراتژیک را اضافه کرد. تصرف کرکوک بر محبوبیت شبه‌نظامیان در سراسر عراق افزود؛ روندی قابل توجه با نزدیک شدن به انتخابات پارلمانی این کشور. جناح‌های سیاسی شبه‌نظامیان مانند سازمان بدر از جمله کسانی هستند که برای کسب رأی رقابت می‌کنند. تهران هم‌چنین در تقویت روابط خود با اتحادیه میهنی کردستان موفق شد، در حالی که همه‌پرسی حزب دموکرات کردستان را از شریک سنتی خود ترکیه دور کرد.

از این رو، چهار کشور ایران، ترکیه، عراق، و سوریه از استقلالی که به دنبال خود تهدیدات امنیت ملی را به دنبال داشت با تاسی از وابستگی متقابل امنیتی، با هماهنگی و تصمیم‌گیری توسط بالاترین رده‌های سیاسی، امنیتی، و نظامی به اقدام متقابل علیه اقلیم کردستان عراق مبادرت کردند.

۴.۷ روسیه

موضع روسیه در قبال کردها نیز پیچیده است. به‌طور سنتی، روسیه روابطی دوستانه با کردها داشته است و یکی از اولین کشورهای بود که در اربیل کنسول‌گری افتتاح کرد. با این حال، مسکو مخالف تصمیم یک‌جانبه اربیل برای اعلام استقلال است و تنها در صورتی از آن حمایت می‌کند که با رضایت بغداد صورت پذیرد. پیوندی نیز میان وضعیت سوریه و عراق وجود دارد مبنی بر این که جدایی کردها از کشور عراق واکنش مثبتی از سوی دمشق و تهران دریافت نکرده است؛ کشورهایی که موضع آن‌ها ممکن است بر تصمیم روسیه تأثیر داشته باشد. این نیز نامشخص است که یک کردستان مستقل حامی غرب به نفع روسیه باشد.

۵.۷ اسرائیل

اسرائیل رژیم مشوق اصلی مسعود بارزانی برای پی‌گیری استقلال کردستان عراق بود. اقلیم کردستان از ابتدای شکل‌گیری به‌شدت تحت نفوذ اسرائیل بوده، چراکه به اعتقاد مناخیم بگین خداوند به یهود نیل تا فرات را هدیه داده و در این جهت، نفوذ در کردستان عراق بازوی چپ اسرائیل را به فرات می‌رساند و استراتژی «اتحاد پیرامونی» را پیش می‌برد. در کنار این دیدگاه، واگرایی در کشورهای غرب آسیا به معنای دور شدن خطر از اسرائیل خواهد بود و به همین دلیل، اسرائیل به دنبال طرح تجزیه عراق به گونه‌ای است که در شمال دولتی کرد، در مرکز دولتی سنی، و در جنوب دولتی شیعه قدرت را به دست گیرد و نفوذ در کردستان زمینه نفوذ به ایران را فراهم می‌آورد (اسلامی و شمس‌آبادی ۱۳۹۷: ۷۶-۷۷).

۸. نتیجه‌گیری

یکی از آرمان‌های اصلی کردستان عراق دستیابی به استقلال سیاسی است، اما این امر پیوندی گسست‌ناپذیر با نوع رویکرد کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دارد؛ رویکردی که می‌تواند به چالشی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی گردد.

اختلاف بین دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان به‌طور قابل‌توجهی تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای تثبیت سرزمین‌های آزادشده از دست داعش را به تأخیر و حتی به‌خطر انداخته است.

با برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان، بحران ژئوپلیتیک جدیدی در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۷ در منطقه ایجاد شد که امنیت و ثبات عراق بار دیگر سیاست خارجی و امنیتی این منطقه را تهدید و تشدید کرد.

حمله داعش به عراق و ناتوانی ارتش در مقابله با داعش و سپس تصرف کرکوک و بخش‌هایی از مناطق دیالی و نینوا توسط پیش‌مرگه‌های کرد، برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان، و متعاقب آن حمله ارتش عراق به کرکوک، و بازپس‌گیری بسیاری از مناطق به گسترش این بحران افزوده است. نگرانی رهبران اقلیم کردستان از وخامت اوضاع و توافق آن‌ها با دولت مرکزی برای آغاز گفت‌وگوها بحران را کاهش داده و پی‌آمدهای سیاسی، امنیتی، و اقتصادی قابل‌توجهی بر جای گذاشته است.

کردهای ترکیه، ایران، عراق، و سوریه همیشه به‌دنبال خودمختاری و درنهایت استقلال و تشکیل کشوری مستقل تحت عنوان کردستان بزرگ بوده‌اند. همه دولت‌های موجود در نظام در شبکه‌ای جهانی از به‌هم‌وابستگی امنیتی گرفتارند، ولی از آن‌جاکه بیش‌تر تهدیدات سیاسی و نظامی در مسافت‌های کوتاه راحت‌تر منتقل می‌شوند تا از راه دور، غالباً ناامنی با مجاورت‌ترین است. بیش‌تر دولت‌ها از همسایگان‌شان بیش از قدرت‌هایی که با آن‌ها فاصله دارند می‌هراسند؛ در نتیجه، به‌هم‌وابستگی امنیتی در کل نظام بین‌الملل به‌هیچ‌وجه به‌شکل یک‌سانی توزیع نشده است. در این زمینه، مکتب کپنهاگ تنها ره‌یافتی است که مطالعات امنیت ملی را از مسائل صرف نظامی و دفاعی به سایر حوزه‌ها کشاند و با تعریف موسع از امنیت، تهدیدات امنیتی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی گسترش داد.

کتاب‌نامه

- اسلامی، مسعود و علی شمس‌آبادی (۱۳۹۷)، «عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق»، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۴، ش ۳.
- بیوک، محسن و محمد اکرمی‌نیا (۱۳۹۹)، «تبیین مراحل و عوامل زمینه‌ساز بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق بر مبنای مدل مایکل برجر»، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسان، دوره ۵۲، ش ۲.
- بوزان، باری، الی ویور، و پاپ دووید (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی.
- چگینی‌زاده، غلام‌علی و حامد عسکری کرمانی (۱۳۹۶)، زبان، کنش، امنیت مطالعات امنیتی، و مکتب کپنهاگ، تهران: وزارت امور خارجه.
- حیدری، احمد و دیگران (۱۳۹۸)، «برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق و تأثیرات آن بر کردهای ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، س ۱۰، ش ۳۹.
- دوهفته‌نامه ایران رصد (۱۳۹۶)، ش ۱۲۲، تهران: ابرار معاصر تهران.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۶)، سازمان ملل متحد و امنیت جهانی، تهران: خرسندی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی.
- صفدری، حسین (۱۳۹۸)، فصل‌نامه مطالعات سیاست خارجی تهران، س ۳، ش ۱۲.

عبداله‌خانی، علی (۱۳۴۳)، *نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)*، تهران: ابرار معاصر.

مسعودنیا، حسین، علی ابراهیمی، و مجتبی رضازاده (۱۳۹۷)، «اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، ش ۳۲.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، *مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران: سمت*.
نیکفر، جاسب، ساسان زمانی، و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۷)، «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلامی، س ۸، ش ۴.

Akrami Nia, M. and M. Buick (2020), "Explaining the Steps and Factors Behind the Iraqi Kurdistan Geopolitical Crisis Based on Michael Brecker's Model", vol. 52, no. 2.

Baser (2019), "Independence Referendums and Nationalist Rhetoric: the Kurdistan Region of Iraq", *Third World Quarterly*, vol. 40, no. 11, 2016-2034. DOI: <10.1080/01436597.2019.1617631 To link to this article>.

<https://ssl.translatoruser.net/officetrans/httpquery.aspx?lcidFrom=1033&lcidTo=1036&lcidUI=1033&docId=iIPbeZOIM7GXaweYutrqhngSYEfZ3TrB-OtXsw3uVAVNm0Ej2AGlvKmxebM6rur00BBycsJcSbVFUePUXIQ_i>.

<<https://www-aljazeera-com.translate.google/opinions>>.

Klain, Katie and Lisel Hintz (2017), *A Series of Miscalculations: The Kurdish Referendum and its Fallout*. <<https://reliefweb-int.translate.google/report/iraq/>>.

Major International Actors, United States, Russia, Britain, and Regional Powers, Turkey and Iran, Opposed the Vote (2017), <<https://studies-aljazeera-net.translate.google/en/report>>.

Wörmer, N. and L. Lamberty (2019), *The Independence Referendum, the Fall of Kirkuk and the Effect on Kurdish and Iraqi Politics*. <<https://www-kas-de.translate.google/en/web/aus/>>.

Zaid al-Ali (2017), *What Next for Iraq after the Failed Kurdish Referendum?*